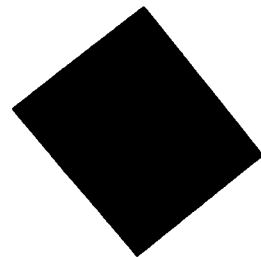


ایدئولوژی انقلابی

امام خمینی

احیای تشیع

■ حمیدرضا اخوان مفرد



مقدمه

ایدئولوژی یکی از ارکان بسیج سیاسی منجر به انقلاب است و نقش قابل توجهی در پیدایش اوضاع انقلابی و چگونگی وقوع بسیج انقلابی دارد. ایفای نقش قابل توجه اسلام شیعی در انقلاب اسلامی ایران توجه محققان را به اهمیت فرهنگ، ایدئولوژی و کار ویژه‌های آن‌ها در بسیج، وقوع انقلاب و ماهیت نظام‌های انقلابی جلب کرد. به طوری که رهیافت تاکید کننده بر اهمیت فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب جای‌گاه ویژه‌ای در میان سایر رهیافت‌ها به دست آورد. هم‌چنین در سال‌های اخیر تحقیقات نظری بر محور پرسش مجدد از نقش فرهنگ و ایدئولوژی بسیار فعال شده است.^(۱) از جمله به دنبال انتقادات وارد بر رهیافت‌های ساختارگرایانه دولت‌محور فرهنگ و ایدئولوژی در چنین تبیین‌هایی بدون آن‌که نقش کلیدی بیابند، محلی از اعراب پیدا کرده‌اند. به طور مثال تداسکاچیل (T. Skocpol) - که با دید ساختارگرایانه، مطالعه عمیقی روی انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین انجام داد و نتیجه آن را در کتاب دولت‌ها و انقلاب اجتماعی^(۲) ارائه کرد و برای یک دهه، محافل علمی را با نظریه فوق تحت تأثیر قرار داد - در مقاله‌ای که متعاقب وقوع انقلاب اسلامی ایران نوشت، اعتراف می‌کند:

«این انقلاب مهم مرا بر آن داشت تا فهم خود را در مورد نقش ممکن سیستم‌های اعتقادی و فهم‌های فرهنگی در شکل دهی اقدامات سیاسی عمق بخشم.»^(۳)

علاوه بر آن، در رهیافت‌های دیگر، از فرهنگ قرائت‌های روان‌شناختی ارائه شده است که در آن‌ها تغییرات ادراکی و شناختی برای استفاده از فرصت‌هایی که شرایط فراهم می‌کنند، ضروری تلقی می‌شوند و بالاخره در نظریه دیگر، فرهنگ و ایدئولوژی بدون آن‌که برنامه‌ای صرفاً سیاسی در نظر گرفته شوند به عنوان موضوع منازعه مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.^(۴)

مفهوم ایدئولوژی در قالب رهیافت‌های متنوع زیر بررسی شده است: ایدئولوژی دانش ایده‌ها، ایدئولوژی آگاهی کاذب، ایدئولوژی جهان‌بینی طبقه، ایدئولوژی

جامعه‌شناسی معرفت، ایدئولوژی آرمان غیرعقلانی معطوف به عمل و ایدئولوژی، یک نظام معنایی و یک مفهوم فرهنگی.

همچنین کارکردهای زیر برای ایدئولوژی از سوی محققان فهرست شده است: آگاهی سیاسی برای صف آرایی، نقد ترتیبات اجتماعی برای زیر سؤال بردن وضع موجود و ایجاد تنفر به آن، معرفی مجموعه‌ای جدید از ارزش‌های فردی، اجتماعی و معنوی، طرح کلی جامعه مطلوب، معرفی برنامه‌های عملی برای رسیدن به اهداف در جهت ویران کردن وضع موجود و ایجاد نهادهای نوین، ایجاد روحیه فداکاری، ایثار، صبر و شکیبایی انقلابی که لازمه عمل انقلابی و اقدام سیاسی در بسیج است، ساده‌سازی جهت پرده‌پوشی و تسهیل روند بسیج، ایجاد اعتماد به نفس و تعهد به اقدام عملی، ادعاهای مبنی بر صداقت، حقانیت و عقلانیت برای توجیه پیروان و بالاخره بسیج همگانی با اجرا کردن موفق کارکردهای فوق.^(۵)

باید اضافه کنیم که ایدئولوژی در تمام نظریه‌های انقلاب جای‌گاه و نقش قابل توجهی دارد.^(۶) در این مقاله نیز ضمن پذیرش این مهم و تأکید بر این که شرط تفوق یک ایدئولوژی در بسیج سیاسی و فرآیند انقلاب، موفقیت در انجام مطلوب کارکردهای مذکور است، اسلام شیعی را در فرآیند انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌ساز معرفی می‌کنیم و نظر به این که مشخصه‌های تشیع ایدئولوژیک به عینی‌ترین وجه در قالب ایدئولوژی انقلابی امام خمینی (ره) برای مردم مسلمان ایران مطرح گردید، از این رو ضمن تبیین ایدئولوژی انقلابی حضرت امام، به بررسی کارکردهای آن در روند انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم. بی شک این ایدئولوژی می‌تواند مورد استفاده نهضت‌های اسلامی، در دست‌یابی به اهداف اصلاح‌گرایانه قرار گیرد.

قرائت امام از اسلام شیعی (حداقل در پاره‌ای از وجوه) چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که تمامی دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش را در خود انعکاس می‌داد. در این ایدئولوژی انقلابی، اسلام مکتبی توحیدی معرفی می‌گردد که غنای مفهومی، محتوایی آن، تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی انسان و شئون فردی، اجتماعی، مادی و معنوی او را در برمی‌گرفت. سیاست را همنشین دیانت می‌کرد، هر دو را با سیمای عرفانی تزیین می‌نمود و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت «تثوری راهنمای عمل»

می‌نشانند.^(۷) گرچه مهم‌ترین نوشته سیاسی امام، «ولایت فقیه» بود اما از نقطه نظر بسیج عمومی، سایر آثار ایشان، یعنی اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها مهم‌تر بودند، زیرا زبان ساده‌ای داشته و برای مردم به راحتی قابل فهم بود. به هر حال مجموعه آن‌ها که در این مقاله استفاده شده است، بنیان ایدئولوژی انقلابی امام را تشکیل میدادند. محورهای اساسی این ایدئولوژی عبارت بودند از: «تأکید بر ابعاد سیاسی اسلام شیعی و جنبه‌های ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی آن، تأکید بر مبارزه و پذیرش سختی و مشقتات، ارائه تصویری تاریخی از حکومت اسلامی و تأکید بر ضرورت تشکیل آن، پرهیز از تفرقه میان مسلمین و تأکید بر وحدت میان اهل سنت و شیعیان و...»^(۸)

۱) انتقال آگاهی سیاسی برای صف‌آرایی

آگاهی سیاسی فرد بر اساس سؤال‌های وی در مورد توانایی ساختار اجتماعی در ارضای نیازهایش شکل می‌گیرد. یک ایدئولوژی برای ایجاد آگاهی سیاسی نیازمند موارد زیر است: خلق نیازهای جدید در میان مردم که نه تنها نیازمند تغییر در توجه مردم به نیازهای سرکوب شده آن‌هاست، بلکه توجه آن‌ها را به ارزش‌ها و نیازهای رفیع‌تری جلب می‌کند، هم‌چنین آگاهی سیاسی سبب ایجاد احساسی از جماعت در میان مردم است تا خود را در گروه بزرگ‌تری شناسایی کنند و در جهت ایده‌های مشترک خود بکوشند و بالاخره نیازمند یک چارچوب خاص برای مردمی کردن ارزش‌ها و نیازهای رفیع و نیز برای خلق احساس جماعت است.

اسلام شیعی هر سه این عنصرها را مطرح ساخت. مفهوم بنیانی اسلام، توحید است که دارای بار ارزشی فوق‌العاده‌ای می‌باشد، زیرا خداوند را خالق جهان معرفی می‌کند که ارسال‌کننده رسل الهی و کتاب‌های آسمانی برای ایجاد عدل و قسط است. مفاهیم مبارزه با دشمنان خدا، استثمار، فساد، ظلم و ستم و استبداد همه در اسلام شیعی وجود داشته‌اند.

هم‌چنین در اسلام، احساس جماعت در میان مسلمانان تقویت می‌شود و بر وحدت نوع بشر تأکید می‌گردد، زیرا هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و مؤمنان هم‌چون فرد واحدند و بالاخره اسلام شیعی به اهمیت سازمان و اتحاد میان مؤمنان برای پشتیبانی از برنامه‌های مکتب تأکید می‌کند. انجام عبادت‌هایی هم‌چون نماز جماعت، نماز جمعه، حضور در مساجد، برگزاری نمازهای عید، انجام مناسک دسته‌جمعی، حج و... احساس جماعت را تقویت



می‌کند و مؤمنان در چنین جماعت‌هایی دانش مذهبی، اجتماعی و سیاسی خود را افزایش می‌دهند.

در ایدئولوژی انقلابی امام خمینی (ره) بر کاربرد سیاسی اجتماعات مذهبی و نهادهای دینی تأکید و به شدت علیه انفکاک مذهب و سیاست موضع گرفته می‌شد و به رهبران مذهبی که از فعالیت‌های سیاسی کناره می‌گرفتند انتقاد می‌گردید. امام (ره) تلاش کرد تا مسبب ایجاد نوعی احساس «اجتماعی شدن» در میان مردم و بخصوص عالمان بشود و در این روند بر اهمیت وحدت و اقدامات جمعی تأکید داشت. امام (ره) به آن‌ها متذکر می‌شد که با چالش‌های یکسان و وظایف مشابه مواجه‌اند و از آن‌جا که فقیهان و عالمان دین امینان پیامبران تلقی می‌شوند، لذا هم حق دارند و هم موظفند که حکومت را در دست گیرند. امام (ره) در کتاب «حکومت اسلامی» تلاش وافری را اعمال می‌کند تا عالمان را متوجه دشمنانی کند که با آنان مواجه‌اند، و به آن‌ها وظایفشان را که شامل موارد زیر است، تذکر می‌دهد:

الف) معرفی آموزه‌های اصیل اسلامی و افشای نقشه‌های دشمنان: امام (ره) بر این باور بود که صهیونیست‌ها، امپریالیسم غربی و کارگزارانشان نقشه کشیده‌اند تا اسلام را از صحنه سیاسی و اجتماعی جهان حذف نمایند.^(۹) بنابراین، وظیفه علمای دینی حفظ اسلام و معرفی آموزه‌های اصیل اسلامی است تا مسلمین را با وظایفشان آشنا سازند. امام (ره) معتقد بود که این مهم حتی از نماز و روزه با اهمیت‌تر است و از آن مهم‌تر افشای توطئه‌های دشمنان اسلام است. ایشان در این مسیر، تقیّه را محکوم کرد و مدعی بود که تقیّه مربوط به فروع و حواشی مذهب است و زمانی که اسلام، اساس دین، سعادت و خیر انسانی در معرض خطرند، جایی برای سکوت و تقیّه باقی نمی‌ماند.^(۱۰) ایشان معتقد بود که علما و فقها سنگرها و دژهای اسلام هستند و اگر به حاشیه اجتماع بروند چگونه می‌توانند از اسلام و قوانین الهی حفاظت کنند و گوشزد می‌کرد که علمای دین اغلب از وظایف خود قصور کرده‌اند.

ب) مبارزه با استبداد، ظلم، استثمار و بی‌عدالتی: امام از زمان آغاز مبارزه یعنی از اوایل دههٔ چهل شمسی در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود برای انجام این وظیفه بسیار تأکید داشتند.^(۱۱)

ج) تلاش برای استقرار حکومت اسلامی که فقها آن را اداره می‌کنند: احتمالاً کمتر محقق دینی پیدا می‌شود که مخالف تأکید امام (ره) مبنی بر انجام دو وظیفه فوق باشد، اما در مورد استقرار حکومت اسلامی توسط فقیه، اختلاف نظر

وجود داشت و چه بسا دیدگاه سنتی شیعه با آن مخالف بود. بنابراین، امام برای رفع توهم و شبهات و نیز برای پاسخ‌گویی به مخالفین یک نوشته کامل را به این مهم اختصاص داد تا ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را که در رأس آن یک فقیه قرار دارد، اثبات نماید. ایشان در گفتارهای متعدد بر این موضوع تأکید کردند.

از متد و روش امام (ره) برای استقرار این مهم متعاقباً بحث می‌شود، اما به اختصار اشاره می‌کنیم که امام (ره) ابتدا در مورد ضرورت وجود یک حکومت صالح صحبت می‌کند، چون بدون آن نمی‌توان از حقوق اقشار ضعیف در برابر توانمندان دفاع کرد، امر به معروف و نهی از منکر نمود، امور را بر وفق نظر اسلام اداره کرد و از دخالت بیگانگان جلوگیری نمود. از دید امام حکومت صالح است که می‌تواند چنین اموری را سر و سامان دهد و این حکومت توسط فقهی عادل اداره می‌شود. از نظر امام این فقیه عادل باید عالم به علوم اسلامی هم باشد.^(۱۲)

ویژگی‌های چنین فقهی را پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) ذکر کرده و همان‌ها او را منصوب کرده‌اند. امام (ره) با نظر برخی از علمای شیعه که متعقد بودند حکومت در طول دوران غیبت کبری، غیرمشروع است، مخالف بود و متقابلاً از آن‌ها سؤال می‌کرد: «ما در دوران غیبت چه باید بکنیم، آیا از اسلام صرف نظر نماییم؟ آیا هیچ واجبی بر گردن ما نیست؟ آیا اسلام فقط برای همان دو بیست سال اول بود؟ آیا اسلام هیچ وظیفه‌ای برای ما در قبال دولت و حکومت قایل نشده است؟» و پاسخ می‌داد: «ما محتاج حکومتی هستیم که توسط یک فقیه عادل و عالم به علوم اسلامی اداره شود. اگر این دو صفت در کسی جمع شد او شایسته حکومت است، چه، این دو ویژگی در کنار هم می‌توانند دنیای آباد و سعادت‌مندی را پدید آورند.»^(۱۳)

بنابراین، در نظر امام (ره)، ماهیت حقوق اسلامی، آموزه‌های دینی پیامبر و ائمه معصومین، بسیاری از آیات قرآن، رویه‌ها و سنت‌های اسلامی همه مؤید ضرورت تشکیل حکومت اسلامی می‌باشند.

امام (ره) هم چنین تلاش کرد تا آگاهی سیاسی را به سایر اقشار اجتماعی منتقل نماید، گرچه در کتاب حکومت اسلامی مخاطب خود را در میان علما جست‌جو می‌کرد و تلاش می‌نمود تا آگاهی سیاسی را در میان آنان ایجاد نماید.

اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام (ره) خطاب به مردم و گاه خطاب به گروه‌های خاص بود. از جمله ارتش که در فرآیند انقلاب بارها مورد خطاب امام (ره) قرار گرفت. امام (ره) معتقد بود که نفوذ آمریکایی‌ها و حقوق کاپیتولاسیون، هویت، مقام و شأن ارتش ایران را از بین برد. وقتی یک آشپز یا یک نام‌رسان و پیک آمریکایی به ژنرال ایرانی حق تقدم داشته باشد، دیگر چه شأنی برای ارتش باقی می‌ماند؟ ایشان بارها گفتند: «من اگر ارتشی بودم، این ننگ و خفت را نمی‌پذیرفتم و استعفا می‌دادم».^(۱۴) امام (ره) بارها در بیانیه‌های دوران انقلاب با همین لحن، ارتش را مورد خطاب قرار می‌دادند و می‌گفتند:

«دوران اسارت، بردگی و تحقیر عن قریب به پایان می‌رسد، از کشتار مردم بهره‌زید و به مردم ببیندید که ما می‌خواهیم شما مستقل باشید... شما ای صاحب منصبان مسلمان و آزاده ارتش ایران، دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایید و بیش از این تن به ذلت ندهید».^(۱۵)

۲) نقد ترتیبات اجتماعی موجود

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایدئولوژی در روند بسیج منجر به انقلاب، نقد ترتیبات اجتماعی موجود است تا بدین ترتیب به وضع موجود در اذهان پیروان احساس تنفر و اراده معطوف به تغییر به وجود آورد.

در ایدئولوژی انقلاب ایران که امام خمینی (ره) در شکل‌گیری آن نقشی بسیار مهمی داشتند، این مهم نیز انجام شده است. امام (ره) نوک پیکان انتقادهایش علیه ترتیبات اجتماعی را روی سلطه امپریالیسم و تلاش آن در الغای اسلام متمرکز کرد، البته فهرست اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که تحت این انتقاد مطرح می‌شد، بسیار طولانی است:

الف) سلطه امپریالیسم: یکی از اساسی‌ترین انتقادات امام (ره) سلطه خارجی بر ایران بود که همواره در صحبت از شرایط موجود در ایران به آن اشاره می‌کرد. انتقاد به سلطه امپریالیسم از اوایل دهه ۱۳۴۰ ش. هنگام اخذ حقوق

کاپیتولاسیون توسط آمریکا، رساتر به گوش می‌رسید. امام (ره) معتقد بود که شاه، ایران را به صورت یک مستعمره رسمی آمریکا در آورده و با دشمنان اسلام از جمله اسرائیل صمیمانه‌ترین روابط را برقرار کرده است. از نظر امام (ره) سلطه آمریکا و اسرائیل بر ایران پدیده جدیدی در ایران نبود، بلکه سلطه خارجی ماحصل قرن‌ها توطئه و دشمنی بیگانگان علیه ایران به شمار می‌رفت که ماهیت اقتصادی نیز داشت.

باید توجه نماییم که دل مشغولی امام (ره) صرفاً مقابله با سلطه خارجی در ایران نبود، بلکه با سلطه آن بر جهان اسلام مخالف بود. ایشان می‌گفت که تقسیم سرزمین‌های اسلامی به دولت‌های ملی متفاوت، نتیجه یک نقشه امپریالیستی است و برای اعاده حیثیت و حفاظت از منابع مسلمین ضروری است که حکومت‌های مستقل اسلامی تشکیل شوند و عروسک‌های خیمه شب بازی امپریالیست‌ها از این کشورها، یعنی دولت‌های وابسته، بیرون گردند.^(۱۶)

ب) شرایط ظالمانه اقتصادی، استثمار و غارت منابع: در کنار انتقادات امام (ره) به سلطه خارجی بر جهان اسلام، نظم و ترتیبات اقتصادی نیز مورد نقد ایشان قرار می‌گرفت. امام (ره) معتقد بود که امپریالیست‌ها شرایط ظالمانه اقتصادی را بر ما تحمیل کرده‌اند. این نظریه با زبان‌های مختلف و در جملات متعدد ایشان تکرار می‌شد.^(۱۷)

ج) بدبختی، گرسنگی و محرومیت: نظم و ترتیب ظالمانه اقتصادی و استثمار اساساً سبب محرومیت و بدبختی برای اکثریت ملت است. از نظر امام دستورات اسلامی برای جلوگیری از پدید آمدن این وضع و نیز برای حل معضل ثروت بوده است، ولی امپریالیست‌ها، که می‌خواهند ما در بدبختی غوطه‌ور باشیم، با اجرای دستورات اسلامی مخالفت می‌کنند.^(۱۸)

د) استبداد و ستم: شرایط ظالمانه اقتصادی و استثمار نمی‌توانند بدون ستم، استبداد و بیدادگری باقی بمانند. امام (ره) منتقد شرایط استبداد و نظم ظالمانه اقتصادی و استثمار بود. ایشان این مهم را هم در کتاب «حکومت اسلامی» و هم در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های خود مطرح کرده‌اند.^(۱۹)

ه) عیاشی، اسراف و تجمل پرستی، بی‌لیاقتی و عدم صلاحیت دولت‌مردان و بوروکراسی فاسد: امام (ره) به شدت منتقد زندگی تجملاتی شاه و طبقه بالا بود. جشن‌های سلطنتی همراه با ولخرجی و بی‌بند و باری و هزینه‌های



بی حد، عدم صلاحیت حکومت که اقتصاد کشور را در ویران ساخته و کشاورزی، آموزش و منابع انسانی را منهدم کرده بود، بورکراسی عریض و طویل، زاید و غیرضروری و سیستم کاغذبازی، همه و همه مورد انتقاد امام (ره) قرار داشت و ایشان همه آنها را مغایر با موازین اسلامی معرفی می‌کرد. (۲۰)

(و) **انحراف، فساد و مادی‌گرایی:** امام (ره) معتقد بود:

«اسلام قانونی برای حلیت رباخوری و برای بانک‌داری

مبتنی بر ربا ندارد و برای مصرف و تولید مشروبات الکلی و برای ترویج فساد جنسی مجوزی نداده، بلکه همه آنها را تحریم و ممنوع کرده است. بنابراین، دولت حاکم که عروسک خیمه شب‌بازی امپریالیست‌هاست و این فسادها را در کشور اسلامی رواج می‌دهد دشمن اسلام است.» (۲۱)

(ز) **قوانین و سیاست‌های ضد اسلامی و غیراسلامی:** امام

خمینی (ره) قانون اساسی مشروطه را از آن جهت که کپی ناقص قوانین بلژیک، فرانسه و انگلستان بود، متناسب با شرایط کشور و فرهنگ ایران نمی‌دانست و آن را پوچ و بی‌اثر قلمداد می‌کرد. هم‌چنین دید مشابهی نسبت به حقوق قضا داشت و به سیستم قضایی کشور که به فساد و انحراف اجازه ترویج می‌داد، انتقاد می‌کرد و با سیاست‌های ضد اسلامی شاه شدیداً مخالف بود. مطابق نظر امام (ره)، سلطنت در مقابل ارزش‌های اسلامی قرار داشت، زیرا اقدام به غارت حوزه‌های علمیه، چپاول طلاب و ضرب و شتم طلاب و کشتن آنان و سوزاندن کتاب‌هایشان و بی‌احترامی به قرآن و فحاشی به مقدسات کرده بود. (۲۲)

(ح) **سلطنت، حکومت و پارلمان غیرمشروع:** هر چند تمام انتقادات فوق، تلاش برای غیرمشروع جلوه دادن رژیم شاه بود اما صفحات و عناوین متعددی از نوشته‌ها و نیز فرازهای عمده‌ای از سخنرانی‌های امام (ره) به طور مستقیم متوجه عدم مشروعیت رژیم سلطنتی بود. از نظر امام (ره) رژیم سلطنتی مخالف همه قوانین عقلانی و حقوق بشر است، زیرا همه امور در حکومت سلطنتی نه با مشارکت مردم، بلکه با زور سرنیزه انجام می‌شود. (۲۳)

(۳) **طرح مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها**

ایدئولوژی مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها را نیز ارائه می‌نماید. در قرآن کریم ارزش‌های فردی و اجتماعی متعددی ذکر شده است که فهرست برخی از آنها به شرح زیر است: رستگاری و نجات، نیکوکاری و خیرخواهی، عمل صالح، صبر و شکیبایی، راست‌گویی و صداقت،

پارسایی و تقوا، مساوات و برابری، جنگجویی در راه خدا، از خودگذشتگی و فداکاری، عدالت و تساوی حقوق، شجاعت و دلیری، آزادی، مهربانی و لطف، اطاعت‌پذیری از رهبران الهی نیکوکار، نگاه عاقلانه و متفکرانه، توکل، عمل‌گرایی، پاک‌دامنی و نجابت، تواضع، جست‌جو برای علم، عفو و بخشش، ثبات و استواری، اعتدال، صرفه‌جویی، دفاع از خود، ادب، آرامش، مسئولیت اجتماعی، آسایش خاطر، استقلال، تشریک مساعی، جدیت، فضیلت، نظم، احتیاط، مشاوره و هم‌فکری.

امام (ره) نیز به عنوان رهبر انقلاب مجموعه ارزش‌هایی را در نوشته‌ها و بیاناتشان مطرح کرده‌اند که بر سه دسته تقسیم می‌شوند: ارزش‌های معنوی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های فردی. ایشان بر ارزش‌های اجتماعی (Social Values) بیش از سایر ارزش‌ها تأکید داشتند در زمینه ارزش‌های اجتماعی برای عدالت و برابری بیش از سایر ارزش‌ها اهمیت قایل بودند و متعاقب آن بر «آزادی و استقلال»، «مبارزه و جهاد»، «وحدت و برادری» و «امنیت و مسئولیت اجتماعی» تأکید می‌کردند. تعاون و هم‌کاری، تشریک مساعی، مشاوره و صلح نیز از نظر ایشان دور نمی‌ماند.

در حوزه ارزش‌های فردی (Personal Values) تأکید امام (ره) روی «شجاعت و بی‌باکی، خشنودی حقیقی، آرامش و طمأنینه نفسانی، بردباری و صبر، ثبات قدم، عمل‌گرایی، اعتماد به نفس و مبارز بودن در راه خدا، پاک‌دامنی و تقوای الهی، پشت‌کار و وقار، پارسایی، دفاع از خود، امیدواری، توانایی و آمادگی دائمی، قاطعیت، درست‌کاری و صداقت، آگاهی و زیرکی، ابتکار، جدیت، عزم» بوده است. در زمینه ارزش‌های معنوی (Spiritual Values) امام روی «ایثار و فداکاری، ایمان به خداوند، توفیق و رستگاری» و بالاخره «تهذیب نفس» تأکید داشتند. (۲۴)

(۴) **طرح کلی جامعه مطلوب**

این کارکرد در ایدئولوژی به ایجاد انگیزه در پیروان برای استقرار یک جامعه آرمانی کمک می‌نماید. در ایدئولوژی انقلابی امام (ره) این طرح در قالب حکومت اسلامی بیان شد. حکومتی که از نظر ایشان بهترین و مردمی‌ترین شکل حکومت است. رهبری این حکومت در اختیار فقیه عادل است. برای امام (ره) حکم‌رانی و فرمانروایی فی‌نفسه موفقیت یا یک ارزش تلقی نمی‌شد، بلکه یک وظیفه تلقی می‌گردید. امام (ره) هر سه رکن معمول در حکومت‌ها را پذیرفت و بر انجام وظایف و عمل‌کرد دولت اسلامی تأکید

می‌کرد. وظیفه دولت اسلامی اجرای قوانین دینی و ایجاد بستر مناسبی است که تعالی و سعادت انسان در آن میسر باشد و عدالت در جامعه برقرار گردد. از نظر امام (ره) دولت دارای وظایف و عمل‌کردهای زیر است:

- حفظ و بقای نهادها و قوانین اسلامی

- اجرای قوانین اسلامی و قوانین جزایی و کیفری،

- استقرار عدالت، نظم و قانون و ممانعت از ظلم،

استبداد و تجاوز

- جمع‌آوری مالیات‌های اسلامی به منظور برطرف

کردن نیازهای مردم و ارائه خدمات عمومی برای آموزش، بهداشت، دفاع و....

- رفع تجاوز و آمادگی پایدار برای دفاع از استقلال و

تمامیت ارضی و نیز حفظ عزت و شوکت مسلمانان.

- ایجاد شرایط مطلوب برای آموزش.

- ریشه‌کن کردن گروه‌هایی که منبع فساد و خسارت به

جامعه‌اند.

- رفتار مساوات طلبانه و پرهیز از برخوردهای

تبعیض‌آمیز.

- حل مسئله فقر و تهی‌دستی و توزیع عادلانه ثروت.^{۲۵}

بدین سان، امام (ره) طرح کلی و تصویری عام از جامعه

مطلوب ارائه کرد.

۵) ارائه برنامه‌های عملی

راه کارهای عملی، مشخص‌کننده اهداف تغییر - که

مبارزه حول محور آن متمرکز می‌شود - می‌باشد. هم‌چنین

نشان دهنده عواملی که سبب چنین تغییراتی اند و نیز اشکال

عمل، که ضروری می‌باشند، است.

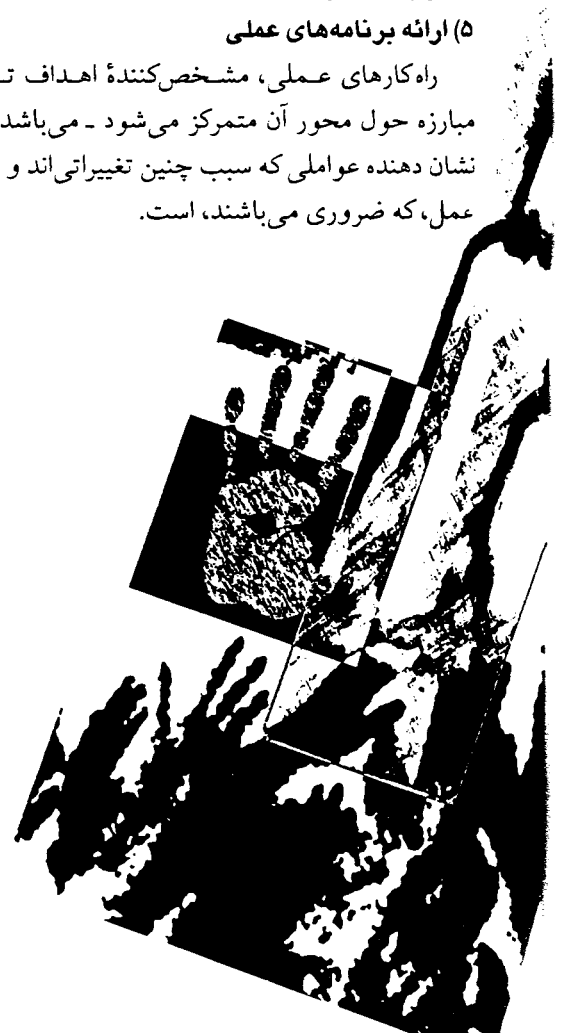
الف) اهداف تغییر: چنان که گفتیم حملات امام بر علیه امپریالیسم آمریکا متمرکز بود. به علت نقش فعال دولت آمریکا در تاریخ معاصر ایران، امام (ره) آن را بزرگ‌ترین دشمن ملت ایران می‌دانست و معتقد بود که رئیس‌جمهور آمریکا نزد مردم ایران منفورترین فرد انسانی است و به دلیل فجایعی که در جوامع اسلامی مرتکب شده است، امروز قرآن دشمن اوست، ملل اسلامی دشمن او هستند.

از نظر امام (ره) هدف اصلی امپریالیست‌ها در وهله اول، اقتصادی و سیاسی و نه ایدئولوژیکی است، چون آن‌ها، به هیچ مذهبی اعتقادی ندارند. البته سلطه اقتصادی و سیاسی آن‌ها از طریق سلطه فرهنگی اعمال می‌شود. آن‌ها اسلام را مانع دست‌یابی به اهداف شومشان می‌دانند، از این رو با اسلام و مسلمانان در افتاده‌اند.

بنابراین، سلطه خارجی و توطئه‌های ضد اسلامی بیگانگان به طور عام در مرکز حملات امام و اولین هدف وی بود. هدف دوم که مبارزه باید حول محور آن متمرکز می‌شد، استبداد و سیستم پادشاهی بود. گروه حاکم، حکومت سلطنتی رژیم شاه، پارلمان و... از نظر امام (ره) عوامل امپریالیسم بودند. طبقه حاکم مسئول فساد و سلطه خارجی‌ها بر کشور بود. دولت و پارلمان، نماینده مردم نبودند و تصمیم‌های آن‌ها در خدمت منافع امپریالیست‌ها بود و در نهایت شاه مسئول مستقیم فجایع و کشتار مردم بی‌گناه بود.

امام (ره) به نهادهای مستقر مذهبی در ایران و عراق نیز انتقاد می‌کرد و معتقد به بازسازی نهادهای مذهبی بود. بی‌تفاوتی، تنبلی و خمودی، نومیدی و یاس و فقدان اعتماد به نفس می‌بایست با سعی، کوشش، پشت‌کار، امید و اعتماد به نفس جای‌گزین می‌شد. وی عالمان مذهبی کناره‌جو از سیاست و آخوندهای درباری را که مؤید حکومت شاه شده بودند، تقیب می‌کرد.

ب) عوامل تغییر: امام (ره) معتقد بود که عالمان مذهبی باید نقش هدایت‌کننده و رهبری را در انقلاب اسلامی به عهده گیرند. گرچه موفقیت انقلاب در گرو مشارکت گسترده توده‌هاست، اما نقش عالمان مذهبی بسیار خطیر و جدی است. امام (ره) روی طلاب جوان تاکید زیادی داشت، هم‌چنین سیاست‌مداران ایرانی و تاجران و اصناف. دانشجویان، دانش‌آموزان و... را مخاطب قرار می‌داد تا عهده‌دار اقدامات انقلابی شوند. در واقع همه این اقشار - از نظر امام - عوامل ایجادکننده تغییرات انقلابی محسوب می‌شدند.



ج) ساختار عمل: ساختار اقدام انقلابی که از سوی امام (ره) توصیه شده است. تغییر از اعتراض منفعلانه به اقدام فعال است. فهرست بلندی از چنین اقداماتی را می‌توان از سخنرانی‌ها، موعظه‌ها، بیانیه‌ها و پیام‌های ایشان ارائه کرد که به شکل زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

- رشد فردی: از نظر امام (ره) پیش شرط عمل انقلابی. خودسازی و ارتقای نفسانی فرد است.

- اعتراض منفعلانه: امام از عالمان دین و محققان مذهبی می‌خواهد که هر گونه ارتباط با رژیم را قطع کنند. قطع تمام روابط با نهادهای حکومتی، امتناع از تشریک مساعی با حکومت و خودداری از هر اقدامی که ممکن است از آن کمک به حکومت تعبیر شود، بخشی از این اعتراضات است.

- تبلیغات و آموزش: امام (ره) بیش‌ترین تاکید را روی نقش تبلیغات و آموزش برای مهیا سازی بستر مناسب برای تغییرات انقلابی داشت. ایشان در زمینه آموزش و تبلیغات اقدامات گوناگونی انجام داد: بیانیه‌ها، خطبه‌های دینی، نطق‌ها، کتاب‌های منتشره، بالا بردن صدای اعتراض، تظاهرات و اعتصابات از جمله این اقدام‌هاست. ایشان به منظور مقابله با مطبوعات رژیم، خواستار ایجاد دستگاه‌های مطبوعاتی مستقل بود و امید داشت تا با معرفی سیستم حکومت اسلام بتواند یک تفکر نوین و جنبش نوین مردمی به وجود آورد که به استقرار نظامی نوین بینجامد.

- اعتراض جمعی: از نظر امام (ره) تظاهرات، اعتصابات و سایر اشکال اعتراضات اجتماعی، نه تنها ارزش تبلیغی دارند، بلکه در دولت استبدادی نیز نفوذ می‌کنند، اگر همه مردم به اقدامات جنایت‌کارانه دولت اعتراض کنند، آن‌ها دست نگه می‌دارند. غیر از ارسال تلگراف و صدور بیانیه‌ها سایر اشکال اعتراضات جمعی که امام روی آنها تاکید داشت، عبارت بودند از: اعتصابات عمومی، تظاهرات، تجمعات سازمان یافته در مسجدها و سایر مکان‌های عمومی. ایشان هم چنین روی وحدت عمل در چنین اعتراض‌هایی تاکید و ندای تفرقه را شیطانی، به نفع ستمگران و به ضرر اسلام معرفی می‌کرد.

- سازمان دهی و ایجاد نهادهای جدید: امام (ره) معتقد به ایجاد نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جدید بود. ایشان هم چنین پیشنهاد می‌کرد که نهادهایی برای آموزش آموزه‌های دینی و تبلیغات تأسیس شود تا توسعه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش اسلامی میسر شود.

- برنامه‌های دراز مدت: امام خمینی (ره) به انقلابیون هشدار می‌داد که به جای بی‌خبری و این که بخواهند سریعاً نتایج اقدام‌های خود را ببینند، صبر انقلابی پیشه کنند. نباید انتظار داشت که اقدام‌های انقلابی به سرعت به شکل‌گیری حکومت اسلامی بینجامد، چون اقدامات انقلابی به تفکر صحیح و برنامه‌های دراز مدت نیاز دارد.

- مقابله نظامی و جهاد: امام (ره) تعارض نظامی علیه ستمگران را آخرین ملجأ معرفی می‌کرد که دست‌آورد طبیعی اقدام انقلابی است. طبیعی است وقتی مردم انقلاب می‌کنند و از تشریک مساعی با ستمگران امتناع می‌ورزند و تسلیم فساد و قدرت‌های خائن نمی‌شوند، آن قدرت‌ها دو آلترناتیو بیش‌تر ندارند: یا باید تسلیم خواسته‌های مردم و اصلاح امور شوند و یا در تقابل با جنبش، مخالفت را برگزینند و در این میان اگر گزینه دوم را انتخاب کنند و بخواهند با اعمال زور و فشار دیگران را خفه کنند، بر مسلمانان هم واجب می‌شود که علیه آن‌ها جهاد کنند.

۶) تاکید بر تعهد به اقدام و اعتماد به نفس

امام خمینی (ره) روش‌های متنوعی را به منظور تلفیق نوعی احساس تعهد به عمل و اعتماد به نفس در مستمعین خود به کار گرفت. مطابق نظر ایشان، بی‌تفاوتی عالمان مذهبی به دلیل ضعف اجرای احکام اسلام در جامعه و نقش تخریبی عوامل استکبار بوده است. امام (ره) مخالف این

نظریه بود که «سیاست سراسر، کثیف، شریر و دروغ است. بنابراین عالمان باید از آن فاصله بگیرند.» متقابلاً متعقد بود که این جملات برای فراری دادن عالمان از امور اجتماعی و سیاسی و جلوگیری از مبارزه با حکومت فاسد و خائن و سیاست‌های ضد اسلامی و ضد مردمی است. به نظر امام (ره) مبارزه با چنین رژیمی که مبتنی بر ظلم و استثمار است، به منظور استقرار حکومت عدل الهی، یکی از بزرگ‌ترین عبادات اسلامی است. امام (ره) عالمان را نصیحت میکرد که اعتماد به نفس داشته و همه اشکال بی‌تفاوتی، ضعف، یأس و نومیدی را کنار بگذارند. عالمان باید بدانند که نیروهای مناسب برای اشتغال در پست‌های اجرایی مملکت‌اند تا عدل و روابط برابر بین انسان‌ها برقرار سازند. واقعاً چه کسی بهتر از آن‌ها می‌تواند این کار را انجام دهد؟

بحث دیگری که امام (ره) مطرح کرد، یادآوری وظایف عالمان و روشنفکران در قبال بیداد و ظلم و فساد ستم‌گرا بود که آموزش و حفاظت از اسلام و استقرار دولت اسلامی در گرو انجام آن وظایف بود. چنانچه محققان مذهبی به

انجام مسئولیت‌های خویش متعد نباشند و در مقابل سیاست‌های ستم‌گران خاموش باشند، خداوند به طور قطع آن‌ها را سرزنش، ملامت و بازخواست خواهد کرد.

امام (ره) برای زدودن احساس بی‌تفاوتی، یاس و نومیدی از بحث‌های تاریخی هم کمک می‌گرفت و به زندگی پیامبران و مبارزات موفقیت‌آمیز حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت محمد(ص) ارجاع می‌داد و بارها از شخصیت‌های دینی، نظیر: مرحوم مدرس که وظایف سیاسی خود را انجام دادند تجلیل می‌کرد.

۷) ایجاد روحیه فداکاری، ایثار، صبر و شکیبایی انقلابی
همان‌طور که گفته شد، ارزش‌هایی نظیر: ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و پایداری در رأس ارزش‌های مورد توجه امام قرار داشت. امام (ره) تلاش می‌کرد تا از طریق روش‌های زیر این ارزش‌ها را به پیروان خود تلقین نماید.

- آوردن مثال‌هایی از سیره پیامبران و ائمه معصومین؛ مطابق نظر امام (ره) برای تقویت روحیه فداکاری و ایثار به منظور تحقق یک هدف، می‌توان به رفتارهای پیامبران و ائمه توجه کرد. پیامبران بزرگ الهی و ائمه اطهار، الگوهای ایثار و شجاعت‌اند. به قول امام «خونی از خون امام حسین (ع) با ارزش‌تر نبود، با این حال آن را به اسلام هدیه کرد.»

- بیان ویژگی‌های اسلام راستین و عالمان متعهد؛ امام (ره) معتقد بود که یک فقیه عادل هرگز مطیع دیگران

نمی‌شود و قدرت‌های خارجی در او نفوذ نمی‌کنند، حتی اگر به قیمت جان‌ش تمام شود. در طول تاریخ، عالمان مذهبی متعددی بوده‌اند که متحمل حبس، شکنجه و تبعید شده‌اند، اما حاضر نشده‌اند از وظایف خود قصور کنند و تسلیم دیگران شوند.

- تشویق به ایثار در راه خدا؛ امام معتقد بود که انجام وظیفه، ایثار و فداکاری باید برای خدا باشد که خداوند در این صورت جزای آن را خواهد داد.

- توجه به این نکته که موفقیت در گرو ثبات قدم و استواری است: امام (ره)، پایداری و ثبات قدم را از عوامل تعیین‌کننده در حصول پیروزی و موفقیت می‌دانست. از نظر ایشان همه مذهب‌ها و مکتب‌های فکری هنگامی رشد و توسعه یافتند که به رغم فقدان امکانات با برنامه و ثبات قدم به پیروزی رسیدند. ایشان در دوران انقلاب همواره مردم را به ثبات قدم و استواری در فعالیت‌های انقلابی تشویق می‌کرد.

۸) ساده‌سازی

امام (ره) با زبانی ساده و با استفاده از سمبل‌ها و الگوهایی که در فرهنگ مردم ایران وجود داشت، اهداف خود را مرحله به مرحله به منصفه ظهور رساند. ایشان مکرر داستان‌های قرآنی درباره انبیا و نیز سنت‌ها و روش‌های زندگی ائمه را برای مردم بیان می‌کرد و معتقد بود که هدف قرآن از طرح این داستان‌ها، الگوسازی است تا ما هم مانند آن‌ها عمل کنیم. از نظر وی داستان مبارزه حضرت موسی علیه فرعون برای ایستادگی و مقاومت در مبارزه علیه فراعنه زمان طرح شده است. ما باید با فرعون زمان، شاه، مبارزه کنیم. موسی، سمبل ایثار، فداکاری و پایداری و متقابلاً فرعون سمبل ظلم و استبداد معرفی می‌شد. پیامبر اسلام (ص) هم سمبل عدالت و رهبری اسلامی و ائمه اطهار سمبل تعهد برای عمل، ایثار، فداکاری و پایداری در انجام وظایف خود بودند.

بنابراین، پیامبران و ائمه الگوهای مبارزه، علیه ظلم و بی‌عدالتی هستند و متقابلاً طاغوت در آماجگاه؟ انقلاب قرار می‌گرفت. این اصطلاح اخیر (طاغوت) در طول مبارزه، مکرر به شاه نسبت داده شد و سایر فرمانروایان ظالم در کشورهای اسلامی نیز بدان شناسایی شدند. بنابراین، ساده سازی که یکی از کارکردهای ایدئولوژی انقلابی است، از سوی امام نیز به کار می‌رفت.

۹) ادعای صداقت و عقلانیت

امام (ره) دعای خود مبنی بر صداقت و عقلانیت را بر

اساس قرآن، سنت پیامبر و ائمه شیعه و عمل‌کرد پیامبران پیشین متمرکز می‌ساخت و مکرر با استناد به این منابع، دیدگاه‌های متعارض با اندیشه‌های خود را به چالش می‌کشاند و برای اثبات صداقت در گفتار و حقانیت دیدگاه‌های خود به مآخذ مذکور ارجاع می‌داد.

امام (ره) تلاش می‌کرد تا با استناد به شرع و با استدلال‌های منطقی، ادعاهایش را به اثبات برساند و در این مسیر به تاریخ ادیان و تاریخ اسلام نیز مراجعه می‌کرد. در مباحث ایشان بیش‌ترین شاهد مثال‌ها از پیامبر اسلام و ائمه معصومین آورده شده است. بنابراین، مستندات امام (ره) در اثبات ادعاهایش مبنی بر صدق و عقلانیت ایدئولوژی انقلابی‌اش، منابع اصیل اسلامی بود. (۲۶)

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی این که موفقیت ایدئولوژی انقلابی امام خمینی (ره) در روند انقلاب، نه حاصل تعریف صرف از یک دشمن واحد (رژیم پهلوی) و یا قرار گرفتن شاه در

۱۰. همان، ص ۸۵.
۱۱. رک: صحیفه نور، ج ۱، ۲ و ۳.
۱۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۲۲.
۱۳. امام خمینی (ره)، کتاب البیع... بی جا: بی نا، بی تا) ص ۸ و ۱۹.
۱۴. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۷.
۱۵. همان، ج ۲، ص ۸۹ و ۲۲۰.
۱۶. همان، ج ۱، ص ۸۶ و ۹۲.
۱۷. همان، ج ۲، ص ۹.
۱۸. همان، ج ۱، ص ۹۲-۹۰.
۱۹. همان، ج ۲، ص ۴ و ۹۷.
۲۰. همان، ص ۱۱۳.
۲۱. همان، ص ۹۷.
۲۲. همان، ص ۹۱-۹۰.
۲۳. همان، ج ۱، ص ۱۰۷.
۲۴. این قسمت با مروری بر صحیفه نور جلد‌های اول تا سوم نوشته شده است.
۲۵. رک: امام خمینی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷).
۲۶. صفحات اخیر با رجوع به صحیفه نور جلد‌های اول تا سوم نگارش شده است.
۲۷. تاجیک، غیریت، هویت و انقلاب... ص ۱۰۲.

مقابل تمامی ایدئولوژی‌های مبارزاتی بود، بلکه علت اصلی را باید از یک سو، در بازتاب دقایق انقلابی سایر ایدئولوژی‌ها (مانند جهت‌گیری‌های ضد امپریالیستی، ضد سرمایه‌داری و طبقه مرفه، تمایلات و گرایش‌های مردمی، تکیه بر مردم تهی دست و پابرنه، نوید جامعه عاری از سلسله مراتب اشرافی، نشان دادن کار به جای سرمایه، ترجیح مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی، تأکید بر آزادی و استقلال، تأکید بر رهایی تمامی ملت‌های دربند، محترم شمردن حقوق انسان‌ها و...) و از جانب دیگر، در تعریف مصداق‌هایی به مراتب مترقی‌تر، کاربردی‌تر، پیر روح‌تر و بومی‌تر برای مفاهیم و سمت‌گیری‌های فوق جست‌جو کرد. از همین رو، ایدئولوژی انقلابی امام (ره) نه تنها بر موج اندیشه‌ها که بر سپهر روح و جان مردمی محنت کشیده و تحقیر شده جای گرفت و ایرانیان به حکم عقل و عشق پرچمش را به دوش کشیدند و در یک کلام شخصیت فرهمند و اندیشه ناب امام (ره) به تمامی مفاهیم، گفتمان‌ها، کنش‌ها، راه‌ها و رهروها معنا بخشید و آن‌ها را بر منزلی استعلالی نشاناد.^(۲۷)

پی‌نوشت‌ها:

1. G.Burns, "Ideology, Culture, and Ambiguity: The Revolutionary Process in Iran," *Theory and Society*, 25, 1996.
2. Theda skocpol, *States and Social Revolutions*, Cambridge University Press, 1979.
3. Theda Skocpol, *Rentier State and Shia Islam in the Iranian Revolution*, *Theory and Society*, Vol.11 (May 1982).
۴. هادی سمتی، "وضعیت کنونی حوزه مطالعات انقلاب"، متین، سال دوم، شماره نهم (زمستان ۷۹)، ص ۲۵ و ۴۵.
۵. رک: حمیدرضا اخوان مفرد، "ایدئولوژی، مفهوم و کارکردهای آن"، متین، سال دوم، شماره نهم (زمستان ۱۳۷۹).
۶. رک: حمیدرضا اخوان مفرد، "نقش و جایگاه ایدئولوژی در نظریه‌های انقلاب"، متین، سال سوم، شماره دهم (بهار ۱۳۸۰).
۷. محمدرضا تاجیک، "غیریت، هویت و انقلاب، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران"، متین، شماره اول (تابستان ۱۳۷۷)، ۹۱-۹۰.
8. Hamid Dabhashi, "By What Authority? The Formation of Khomeini's Revolutionary Discourse". *Social Compass*, 38(4).
۹. امام خمینی (قدس سره)، صحیفه نور، (۲۰ جلد، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹)، ج ۱، ص ۲۷.

